

اظهار نظرهای شهروندان در خصوص فعال شدن گشتهای ارشاد

گزارش «اعتماد»

بها نه است...!

حمیدرضا خالدي

9 سال پس از توقف عملي حضور گشتهای ارشاد در سطح شهرها و معابر عمومي، ابراهيم رييسي که در زمان رقابتهای انتخاباتي خود، بارها و بارها آزادي را حق زنان و دختران اين مرزوبوم ميدانست و تاکيد ميکرد که هیچ برنامه‌ای برای محدود کردن آنها ندارد، در آستانه يكسالگي انتخاب خود به عنوان سيزدهمین رييسجمهوري انقلاب اسلامي ايران و به بهانه روز 21 تير ماه، روز عفاف و حجاب، در اقدامي ناگهاني، دستور اجرائي مجدد مصوبه «راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف» را صادر کرد.

مصوبه‌ای که نه تنها مجوزي بود برای احيا و بازگشت قدرتمند گشتهای ارشاد در سطح شهرها که اينبار دستگاہ‌ها و نهادهای دولتي و عمومي را نیز ملزم به چک کردن حجاب کارکنان و پرسنل خود در محيط کار کرده بود. اين اقدام آن هم در شرايطي که فشار اقتصادي در زندگي خانواده‌های ايراني به مرز انفجار رسیده و باعث ايجاد ملموس موج‌هایی از نااميدي و بالا رفتن آمار درگيری‌های فیزیکی بين شهروندان و اعضای خانواده‌ها و پايين آمدن معنادار سطح تاب‌آوری شهروندان شده است، همان‌طور که پیش‌بینی ميشد با واکنش‌های مقابله‌جویانه‌ای از سوي شهروندان و افکار عمومي مواجه شد.

به اعتقاد مخالفان اجرائي اين مصوبه که در سال 84 به تصويب شوراي انقلاب فرهنگي رسيد و عملاً پایه‌گذار گشتهای ارشاد به فرم و شکل امروزي آن بود، اجرائي اين طرح ميتواند از سويي ابزاري باشد برای دور کردن ذهن شهروندان از افزايش‌های تصاعدي بی‌سابقه و البته روزانه تورم و گرانی‌ها در کشور و از طرفي، ايجاد بسترهای کافي برای اجرائي دو طرح مهم سهمیه‌بندی نان و افزايش قيمت بنزين و

سوخت! طرحي به قدمت عمر 42 ساله انقلاب و البته با شکل و قامتي جديد.

رويه قديمي در عصر ارتباطات ابلاغ و اجراي طرح مبارزه با بدحجابي اما، اين بار از همان ابتدا و درست پس از ابلاغ آن توسط رييسي با 3 چالش جدي همراه بود؛ اول اينکه در طول سکوت يك دهه اي فعاليت گشتهاي ارشاد، شيوه پوشش و زندگي و تفریحات جوانان ايراني به شدت تغيير کرده بود و کمتر پذيراي چنين ارشادها و اجراي چنين قوانيني ميرفت. دوم اينکه با فشارهاي اقتصادي کمرشکن ايجاد شده در دولت دوازدهم باعث شده بود تا مردم ديگر تحمل محدوديتهاي بيشتري را نداشته باشند و در برابر آن به شدت واکنش نشان دهند و بالاخره آنکه برخلاف دهه 60 و 70 که اخبار مربوط به نحوه برخورد با بدحجابان، بيشتري به شيوه دهان به دهان منتشر ميشد، حالا ضابطان ارشاد، با ميليونها شهروندي مواجه بودند که از هر برخوردشان با شهروندان به زعم آنها بدحجاب، عکس و فيلم ميگرفتند و به سرعت در فضاي مجازي پخش ميکردند که بعضا نيز با موجهاي گسترده اي از اعتراضها همراه بود. فيلمهايي از برداشتن جامدانه روسري از سر توسط تعدادي از دختران يا دعواي چند زن در اتوبوس بر سر مساله امر به معروف و ارشاد! تا مادري که دخترش را به خاطر بدحجابي سوار ون ارشاد کرده اند و ضجه ميزند که فرزندش مريض است و نبايد وي را ببرند! يا دعوا و کتککاري يك زن چادري با زني مانتويي در يکي از بازارها به خاطر حجاب. اين رويه تا به جايي پيش رفته که طي همين چند هفته اخير، حتي کمپيني نيز براي اعتراض به فعال شدن دوباره گشتهاي ارشاد به راه افتاد که در آن از زنان خواسته شده بود تا در روزي خاص، در اماکن خصوصي حجاب از سر بردارند و از اين اقدام خود فيلم بگيرند و منتشر کنند.

شهروندان: بهانه است!

چند ماشين ون و ماشين گشت ارشاد در ضلع شرقي ميدان هفتحوض و مقابل مسجدالنبی مستقر هستند و در اين عصرگاهي گرم و شلوغ تابستان مردم را رصد ميکنند. دختری جوان که همراه مادرش ميخواهد از آن سو برود تا در ابتدای خیابان گلبرگ سوار ماشين شود، با دیدن گشتهاي ارشاد رو به مادر میانسالش ميکند و ميگويد: ماما بيا از آن طرف برويم حوصله گير دادن اينها را ندارم!

مادرش ابتدا اعتراض ميکند و ميگويد: چرا؟ مگه لباس ما ناجوره؟ حالا حوصله داري که در اين هواي گرم بخواهي ميدان را دور بزني؟! دختر که کمتر از 20 سال سن دارد اما دست مادرش را ميکشد و با خود

به سوي ديگر ميدان مي‌کشاند و در همان حال مي‌گويد: گفتم که حوصله ندارم. تازه ... مگر گير دادن دليل مي‌خواهد؟ کافي است از قيافهات خوششان نيابد، آن وقت است که بالاخره چيزي براي گير دادن پيدا خواهند کرد! به نظر ميرسد شهروندان امروز جامعه، تحليل‌هايي متفاوت از مردم دهه 60 و 70 و 80 در مواجهه با راه‌اندازي مجدد گشت‌هاي ارشاد داشته باشند.

رکسانا، 29 ساله و مجرد که مانتويي جلو باز پوشيده و آرايش غليظي هم دارد و بدون ترس از حضور گشت ارشاد مستقر در ميدان وليعصر قدم ميزند، در پاسخ به اين سوال که آيا از برخورد گشت ارشاد نمي‌ترسد؟ لبخندي ميزند و مي‌گويد: الان که زمان قديم نيست. الان ذايقه جوانان عوض شده است. ديگر کسي مثل قبل لباس نمي‌پوشد. گشت ارشاد مي‌خواهد جلوي چه چيزي را بگيرد؟! مي‌خواهد من و امثال من را زنداني کند؟ اين طوري در عرض چند ماه تمام زندان‌ها پر ميشود؟!

محسن 45 ساله اما از منظري ديگر به ماجرا نگاه مي‌کند: من هم مثل بسياري ديگر از مردم فکر مي‌کنم اين برنامه‌ها، بهانه‌اي است براي اينکه حواس مردم را از گراني‌ها و از هم پاشيدگي خانواده‌ها منحرف کنند. به خصوص اينکه گفته ميشود مي‌خواهند نان را هم سهميه بندي کنند و قيمت بنزين را هم به شدت افزايش دهند.

دوستش داود که مهندس يك شرکت خصوصي است نيز در تايد سخنان محسن مي‌گويد: در حقيقت آنها مي‌خواهند به بهانه اجراي طرح مقابله با بدحجابي و حضور در کف خيابان‌ها و اعمال محدوديتها، از همين الان در دل مردم رعب و وحشت ايجاد کنند تا مبادا به دليل فشارهاي کنوني يا افزايش قيمت بنزين و سهميه بندي نان، به فکر اعتراض و تظاهرات و شورش بيفتند!

برداشتن حجاب اما اين روزها شکل‌هاي جديدي به خود گرفته است، از جمله اينکه برخي دخترها و زنان به محض نشستن در ماشين و تاکسي روسري از سر بر مي‌دارند. خانم جواني هم که به همين سبک و سياق در تاکسي در خط وليعصر- صادقيه روسري از سر برداشته است، در واکنش به تذکر راننده که از وي مي‌خواهد روسري خود را سر کند تا جریمه نشود به تندي مي‌گويد: يعني آقا يون با ديدن موهاي من تحريك ميشوند؟ اين ديگر از آن حرف‌هاست! ديگه گذشت آن زمان که مو قيچي مي‌کردند يا تهديد مي‌کردند. حالا مردم به جايي رسيده‌اند که اگر بخواهند زياد فشار بياورند، جلويشان قد علم مي‌کنند و ساکت نمي‌نشينند.

اين «ون»‌هاي نه‌چندان خوشرنگ
اين روزها ميادين تهران و کلانشهرها پر است از ون‌هاي سبز رنگ گشت

ارشاد که سالها از غیبت آنها در معابر می‌گذشت. ونها و البته ضابطان گشت ارشادی که در حال رصد کردن تردد شهروندان و به خصوص زنان در سطح شهر هستند. زن میانسالی که در حال بگومگو با یکی از ماموران زن گشت ارشاد در میدان رسالت است باعث شده تا گروهی از مردم دورشان حلقه بزنند و نظاره‌گر بحث میان آن دو باشند. گویا به زن، تذکر داده‌اند تا آرایش غلیظش را پاک و مانتوی سفید نازک خود را عوض کند. زن اما حاضر به تمکین نیست! با همان صدای بلندش خطاب به مامور زن مخاطبش می‌گوید: الان همه چیز مملکت درست شده، جز مانتوی من؟ الان فساد در جامعه بیداد می‌کند، هر کس هر کثافت‌کاری که بخواهد می‌کند آن وقت شما دنبال این هستید که مردم را در خیابان‌ها ارشاد ظاهری کنید؟ نه خانم ... آن کسی که بخواهد کاری بکند، چون به خلوت می‌رود صد کار دیگر می‌کند!!! نه من که 3 تا بچه بزرگ دانشگاهی دارم!

مامور زن اما انگار نه انگار که سخنان زن را شنیده باشد، تکرار می‌کند: خانم اینها ربطی به موضوع ندارد ما وظیفه داریم به زنان بدحجاب یا آنهایی که پوشش مناسبی ندارند، تذکر دهیم. شما هم الان مانتو و آرایش‌تان خارج از عرف است.

زن میانسال هم ولی حاضر نیست کوتاه بیاید. در حالی که انگشتانش را به سوی مامور مخاطبش نشانه رفته است، فریاد می‌زند: اصلا بینم، مگر منی که از پوشش شما خوشم نمی‌آید، به شما کاری دارم؟ پس چرا شما به من باید گیر بدهید؟...

جمعیت لحظه به لحظه بیشتر و بیشتر می‌شود. مامور مردی که در چند قدمی صحنه حضور دارد جلو می‌رود و به همکاری چیزی می‌گوید. بعد از آن مامور زن خطاب به همجنس مانتوپوشش می‌گوید: اصلا خانم بیایید برویم داخل ون تا آنجا با هم صحبت کنیم!

زن که حالا گویا کمی هم ترسیده است با عصبانیت جواب می‌دهد: کجا بیایم؟ مگر من دزد و قاچاقچی هستم که می‌خواهید مرا ببرید؟... فریادهای زن و اعتراض‌های تعدادی از مردم که از رفتار ماموران در برخورد با زنی میانسال ناراحت شده‌اند اما تاثیری ندارد و در نهایت زن را سوار یکی از سه ون حاضر در میدان می‌کنند تا به قول خودشان، ارشادش کنند.

این صحنه‌ها اما با اعتراض‌های آرامی از سوی شاهدان همراه است. مرد مو سفید کرده‌ای که شاهد این صحنه است خطاب به همراهش که وی نیز عاقله مردی

50-60 ساله است، می‌گوید: برای اجرای این طرح 7-8 هزار نفر نیرو به کار می‌گیرند. اگر این نیروها به جای اینکه حواسشان به این باشد که کی، چي پوشیده، به این سارقان و خلافکاران باشد باور کن

آمار جرم و جنایتي که امروز بيداد مي‌کند، به شدت کمتر خواهد شد!

تقصير خودمان بود!

سه جواني که گویا ماموران گشت ارشاد مستقر در نزديکي مترو میدان صادقيه براي پوشش و موهاي‌شان به آنها تذکر داده‌اند، به شدت عصباني هستند. يکي از آنها خطاب به بقيه مي‌گويد: تو دانشگاه يك‌جور گیر مي‌دهند و تو خيابان جور ديگر... آخه اين چه وضعشه؟ حيف آن همه کار و تلاشي که در ستاد انتخاباتي رييسي کردم!

دوستش اما بلافاصله به طعنه مي‌گويد: آن موقع مي‌خواست راي بياورد. براي همين دايم از آزادي حقوق زنان و رونق اقتصادي و توجه به زنان داد سخن مي‌گفت. حالا که ديگر کارش راه افتاده، مسلم است که بايد همرنگ جماعت مسولان شود!

و سومي هم شايد براي اينکه حرفي زده باشد در دنباله سخنان دوستانش مي‌گويد: حالا ببينيد چه بودجه کلاني براي اجراي اين طرح کنار گذاشته‌اند! به خدا اگر بودجه‌هاي اينچنيني را صرف اداره کشور مي‌کردند، مسلماً وضعيت اقتصادي مردم اينقدر اسفناک نبود!

همان جوان اولي در حالي که کم‌کم دور ميشود دستي به موهاي وزوز و بلندش مي‌کشد و مي‌گويد: به من گیر داده‌اند که چرا موهائيت اين‌طوري است؟ بابا مگر دست من است؟ از اول موهاي من وزوز بوده است. حالا بايد بروم کچل کنم؟ خنده‌دار است.

دانشجويان منتقد کم‌کم دورتر و دورتر ميشوند، اما کاملاً مشخص است که بحثشان در مورد گشت ارشاد و طرح برخورد با بدحجابي همچنان ادامه دارد.

پيرمردي که مثل من شاهد گفت‌وگوي آنهاست با تاسف سري تکان مي‌دهد و مي‌گويد: واقعا جاي تاسف است. چرا بايد با جوانان و دانشجويان اين‌گونه برخورد شود؟ آن وقت مي‌گويم چرا جوانان بي‌انگيزه‌اند، چرا آمار فرار از کشور وحشتناک بالا رفته است؟

مرد ميانسال ديگري هم که حين خريدن نوشابه‌اي خنک از دستفروشي شاهد اين صحنه‌هاست، ناخودآگاه وارد بحث ميشود. او مي‌گويد: آقا اينکه چيزي نيست، تازه چند وقتي است که شبها هم ايستگاه‌هاي بازرسي مي‌گذارند و مردم را چک مي‌کنند؟ حالا براي چي؟ من نمي‌فهمم؟ يعني واقعا فکر مي‌کنند اين‌طوري مي‌توانند امنيت را تامين کنند؟ با ايست بازرسي؟ گرچه تا جايي که ما در محله‌مان مي‌بينيم، تنها کاري که مي‌کنند گیر دادن به ماشين‌هاي گذري و جوانان و دختر و پسرها يا کساني که در ماشين سگ دارند، است.

پيرمرد در مقابل درحالي که به نظر ميرسد عصباني است و کلافه دوباره سري به تاسف تکان مي‌دهد و مي‌گويد: اگر راست مي‌گويند بروند

به دختران و پسران الهیه و ولنجك و... گیر بدهند؟ تو این مناطق یا اصلا گشتی نیست یا اگر هست، خیلی خیلی کم به مردم گیر می‌دهند. چرا؟ چون میدانند تمام آقازاده‌ها و از ما بهتران در این محله‌ها زندگی می‌کنند و اگر بخواهند به آنها گیر بدهند یا برخورد بدی داشته باشند، بلافاصله ممکن است توبیخ و تنبیه و حتی اخراج شوند! و این بار مرد نوشابه به دست جمله‌ای را تکرار می‌کند که این روزها بارها و بارها آن را شنیده‌ایم: بابا اینها بهانه است! حتما می‌خواهند بنزین را گران کنند یا نان را سهمیه‌بندی کنند یا چیزی از این دست، آن وقت برای پرت کردن حواس مردم از گرانی‌های يكسال اخیر و عصبانیت مردم و همچنین گرانی‌های آینده چنین طرح‌هایی را از زیر خاک بیرون می‌کشند!

او هم پا تند می‌کند تا به مترو برسد اما در همان حال جمله آخرش را هم می‌گوید: ریسی که رسماً اعلام کرد؛ موج اصلی گرانی‌ها سال بعد است! اینها در واقع اقداماتی است برای جلوگیری از راه افتادن موج‌های اعتراضی مردم. دیگر ما بعد از 40 سال، کاملاً این سناریوها را می‌شناسیم.

اینها تنها گوشه‌ای از انتقادهای برخی شهروندانی است که از حضور گشت‌های ارشاد به شکل کنونی آن گلایه دارند. صحبت‌هایی که نشان‌دهنده تفکر افکار عمومی در مورد نحوه اجرای طرح عفاف و حجاب است. گشت‌هایی که معلوم نیست این‌بار دوباره چه زمانی تب فعالیت آنها کم خواهد شد و دوباره به سایه خواهند رفت!

يك شهروند: آنها می‌خواهند به بهانه اجرای طرح مقابله با بدحجابی و حضور در کف خیابان‌ها و اعمال محدودیت‌ها، از همین الان در دل مردم رعب و وحشت ایجاد کنند تا مبادا به دلیل فشارهای کنونی یا افزایش قیمت بنزین و سهمیه‌بندی نان، به فکر اعتراض و تظاهرات و شورش بیفتند!

رکسانا: الان که زمان قدیم نیست. الان ذایقه جوانان عوض شده است. دیگر کسی مثل قبل لباس نمی‌پوشد. گشت ارشاد می‌خواهد جلوی چه چیزی را بگیرد؟! می‌خواهد من و امثال من را زندانی کند؟ این‌طوری در عرض چند ماه تمام زندان‌ها پر می‌شود؟!

منبع: روزنامه اعتماد 6 مرداد 1401 خورشیدی